

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

قاضی سید موسی عثمان هستی
۱۴ مارچ ۲۰۱۵

روز هشت مارچ را به تمام زنان شجاع سرتاسر دنیا تبریک می گویم



مادرم کشتزارومن تخم بی ادب درجهان راند او را از بهشت صاحب هردو جهان
جرم او را خواند خوردن کندم فریب آدم گفت ناقص العقل باشدراندۀ هردو جهان

«هاهی»

از خواب صبح برخاستم کارخانگی من فراموش من شده بود دندان ناشسته سرزینه خانه باچشمان پخل پُر، چرت می زدم که درس خانگی من امروز چه است هر قدر زور دماغی در تشناب فکری زدم چیزی حاصل نشد زن از خواب بیدار شد گفت: عزیزجان برابر من! چرتک چی را می زنی؟ گفتم راستی خانم شب می خواستم که فردا کاری را انجام دهم فراموش کردم خنده کردگفت توشب نگفتی فردا من خود را خودم رخصتی می دهم به احترام ۸ مارچ فامیلی به یک هتل می رویم و غذا می خوریم فوری ازجا برخاستم با حرفهای زیاد چاپلوسی روی خانم را از ترس بوسیدم که چنین روز مهمی را فراموش کرده ام ۸ مارچ را به خانم عزیزم تبریک گفتم. زنم که سالها رنج آخوندبودن مرا به دوش می کشد خدا می داند دل آن که عمرگران بهای خود را با یک متخصص غسل ووضو گذشتانده و آه از جگر بیرون نکرده است.

مادر اولاد هادرافغانستان انجنرواستاد فاکولته بوده بدون این که مرا ببیند نادیده به دستور خانواده با من ازدواج کرده به شوخی گفت اگر ملا نمی بودی تصمیمی که به خاطر کارخانگی خود گرفته بودی فراموش تونمی شد چو ملا

هستی همه جای تو اگر طلا باشد (...). تومس است احترام به زن را کسر شان خود و دین می دانی سبب فراموشی تو روز هشت مارچ غرورگاذب مردانه تو است و حق داری که این روز انسانیت را فراموش کنی.

با خودگفتم به کتاب خانه خود سر بزنم اگر در قرآن شریف کلام خدا راجع «به حقوق زن در اسلام» چیزی پیدا کنم و به زن بگویم که خداوند عادل است ببین چقدر حقوق در دین به زنها داده.

وقتی که قرآن مبارک را باز کردم خواندم که زن گشتزار مرد است با خود گفتم فهم قرآن از توان فهم من بالا است آیا در این آیه چه حکمت است که زن را گشتزار مرد خوانده.

خداوند طرف من بود قرآن را بسته بودم که عیال بیچاره من یک سیاه سرخوب است اگر می دانست که در قرآن این چنین چیزی ذکر شده و تفسیر آیت را از من پرسان می کرد فهم قرآن به من مشکل بود چه قسم کلمه کشتزار را

تفسیر می کردم که خانم احساس کمی نسبت به مرد نمی کرد و حقوق خود را با مرد در اسلام مساوی می دید.

صدای مادر اولادها آمد گفت چای صبح را آماده کرده ام بیا در این روز مبارک با هم نوش جان کنیم خدا طرف من بود که قرآن پاک را بسته بودم زن که از جمله فیمینیست های دواتشه است دیگر رفقا و همصنفهای مرا به نام ملا

در خانه نمی ماند

چای خوردیم دوباره به کتابخانه شخصی خودم که بیش از پنجاه کتاب دینی و غیر دینی دارم، به خاطری که زن اشتباهی نشود که چرا پیش از نوشیدن چای داخل کتابخانه رفتم که حدس و گمان زن بر طرف شود، رفتم. در همین

چرت و فکر غرق بودم به یاد آمد که مولانا باعث زنده یاد که در علم دین و قرآن شناسی بحر بود.

راستی تازه تمام فاکولته ها که در جای های مختلف تعمیر درسی شان بود از خیرات امریکایی ها پوهنتون کابل ساختند تمام فاکولته هادریکجا در تعمیرهای موجوده پوهنتون کابل جابجا شدند فاکولته شرعیات هم از جای قبلی خود

نقل مکان نموده بودند در پهلوی فاکولته حقوق به پوهنخی شرعیات جای داده بودند

ما که در عمر خود کمود ندیده بودیم و فکرمی کردیم با کاغذ پاک کردن نجاست توهین به دین مبین اسلام است چون استاد های ما گفته بودند کاغذ مقدس است به خاطری که نام خدا و قرآن و حدیث در کاغذ نوشته می شود اگر کاغذ در

زمین افتاده باشد جمع کنید در آب اندازید

ما در تشناب های فاکولته ما کلوخ استفاده می کردیم همه تشناب ها بند شده بود رئیس پوهنتون امر کرده بود که یکنفر در دروازه فاکولته استاد شود جیب محصلین دین پرور شرعیات را تلاشی کنند که با خود در تشناب ها کلوخ نبرند

و اگر از جیب شان کلوخ پیدا شد آنها را داخل فاکولته نگذارید بدبختانه ما چند نفر در نیفه تنبان خود چند کلوخ پنهان کرده بودیم نفر موظف کلوخ ها را پیدا کرد و ما را داخل فاکولته نماند مادر زبرد رختان پشه خانه رفتیم نشستم که

شورنخوت بخوریم از اینجا و آنجا حرفهائی زیاد زدیم چون آخوند بودیم حرفها سردین آمد.

زنده یاد مولانا باعث گفت اگر شما به تفسیر و قرآن شناسی آشنائی داشته باشید یا آشنائی پیدا کنید شما در قرآن طنزها و هجوهای زیاد را می بینید یکی از همصنفان ما که لعنتی! کمونیست بود خنده کرد و روی خود را به

طرف زنده یاد مولانا کرد و گفت: مولانا خدا هم طنز گو است؟ مولانا خنده کرد دید که مشت بسته دین راپیش این بی دین باز کرده خود را به کوچه حسن چپ زد گفت وقتی که خدا پیش و پس بندگان خود را بدون برمه (... کرده می

توانم گردانش طنزی خدا (ج) کمتر از آقای جلال نورانی است که طنز گفته نتواند.

راستی این خاطره به من کمک کرد دوباره همان صفحه قرآن کریم بازگردم به دقت آیت شریفه را خواندم

به این عقیده شدم که ملا های دینی و مذهبی هنوز هم در وطن ما جرأت این را ندارند که اکثر آیات قرآنی طنزگونه و هجو نما و اکثر سنت های دینی طنز و هجو است که آن هجوها هم در نزد ما مقدس است. ماجرات این را نداریم

که نقد کنیم و هر طنز و هجو را در درون دین و مذهب دستور الهی می‌شماریم. من نمی‌گویم که در این حدیث و یا این آیت طنز گونه حرف محمد و خدانیست، تنها انتقاد من در این جا است که خدا انسان را اشرف مخلوقات گفته و این اشرف المخلوقات حق ابراز نظر ندارد و اگر کسی دل به دریای جرأت زند و منطقی فکر کند او را به نام بی دین سرزنش می‌کنند تا پیروان کرو گنگ شان هوشیار نشوند.

اگر به دقت شما آیت ها و احادیث را مطالعه کنید، آن وقت متوجه می‌شوید که کلمات، کنایه، طنزگونه و هجو صریح دیده می‌شود. مثلاً در حدیث بخاری شما می‌خوانید که دختر چهارساله به اجازه ولی آن قابل نکاح است، از سن مرد هیچ چیزی گفته نشده که هم سن سال دختر باشد یا نباشد و قتیکه دختر جوان می‌شود مرد چندساله باشد تنها گفته که زمانی دختر بزرگ شد (بالغ) گشت باطل کردن، نقض کردن، برهم زدن معامله قبلی و زائل کردن، شکستن، جدا کردن و باطل کردن عقد از صلاحیت زن است.

در حالی که در اسلام و شریعت اسلامی زن حق فسخ نکاح را ندارد مرد در قسمت طلاق تصمیم گرفته می‌تواند حتی مشوره با زن در کار نیست.

طلاق حق مرد است، تا زمانی که مرد طلاق ندهد، زن حق گرفتن طلاق خود را ندارد. زن به حساب گشتزار مرد به شمار می‌رود که گشتزار گفتن دلالت به مالکیت شخصی مرد می‌کند و غضب و گرفتن ملکیت شخصی توسط اشخاص دیگر نا جایز است. شما قضاوت کنید که در استدلال دینی و مذهبی یک طنز و یک هجو نیست؟ و اگر به دقت متوجه شویم قبل از اینکه ادبیات امروزی شکل اصلی خود را بگیرد در داستان های شفاهی ادیان این نوع طنز دیده می‌شود، این هم ثابت نمی‌کند قبل از این که بشر دسترسی به قوانین ادبی پیدا کند، طنز در روایات مذهبی وجود داشته و به شکل یک مکتب مستقل ابتدائی ادبی عرض اندام نموده و قدامت طنز و هجو بیشتر و سابق از ادبیات پیشرفته امروزی از برکت دین در دین بوده و ما آن طنزها و هجو هارا دستور الهی می‌دانیم

به اقوال ذیل توجه کنید و بعد خود بیندیشید:

برگرفته از «نهج الفصاحه»، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول الله اکرم (ص) انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۷۷، تهران، ترجمه ابوالقاسم پاینده:

«و آن زنان را که از نافرمانی شان بیم دارید اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزنیانشان اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید.» (ش ۳۴)

«حق شوهر بر زن آن است که بدون اجازه او، جز روزه واجب نگیرد و اگر گرفت گناهکار است [و از او] نپذیرند. و بدون اجازه او [مرد] چیزی از مال او را به کسان ندهد. اگر داد ثوابش از شوهر و گناه [آن] از زن است. و از خانه او [مرد] بی اجازه بیرون نرود و اگر رفت خداوند و فرشتگان غضب، او را لعنت کنند، تا توبه کند یا بازگردد؛ اگر چه شوهرش ستمگر باشد!» (شماره ۱۳۸۸، صص ۴۴۵ تا ۴۴۶)

«از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید؛ زیرا شیطان، نگران و در کمین است و هیچ یک از دام‌های وی [شیطان] برای پرهیزگاران مانند زنان مورد اطمینان نیست.» (ش ۵۰ ص ۱۶۴)

«از بی لباسی برای نگه داری زنان [در خانه] کمک جوئید؛ زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت کامل دارد، مایل به بیرون رفتن است.» (ش ۲۸۲ ص ۲۰۹)

«از هیچ فتنه‌ای که خطرناک‌تر از زن و شراب باشد، بر امت خویش بیم ندارم.» (ش ۲۶۱، ص ۶۹۴)

«هر چشمی زناکار است و زن وقتی خوشبو شود و بر انجمنی بگذرد، زناکار است.» (ش ۲۱۵۷، ص ۶۱۱)

«پس از من برای مردان، فتنه‌ای زیان‌انگیزتر از زنان نخواهد بود.» (ش ۲۵۷۲، ص ۶۷۸)

«گروهی که زمامدارشان زن است، رستگاری نبینند.» (ش ۲۵۵۱ ص ۶۸۳)

«وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح [یا تا وقتی که زن به خانه برگردد] او را لعنت کنند.» (ش ۱۸۷، ص ۱۹۰)

«در جهنم نگریستم و دیدم که بیشتر مردمان آن زنانند.» (ش ۳۳۱، ص ۲۱۹)

«بدترین زنان شما آرایش‌کنان و متکبرانند و آنان منافقاند و از آن‌ها جز به اندازه کلاغی که خط سفید برگردن دارد، به بهشت نمی‌روند.» (ش ۱۵۳۵، ص ۴۷۵)

«اگر زن نبود، مرد به بهشت می‌رفت.» (ش ۲۳۵۸، ص ۶۵۳)

«اگر زنان نبودند، خدا چنان که شایسته پرستش اوست، پرستیده می‌شد.» (ش ۲۳۶۱، ص ۶۵۳)

«النساء حباله الشیطان، زنان، دام‌های شیطانند.» (ش ۳۱۵۳، ص ۷۸۹)

«وای بر زنان از دو چیز، طلا و جامه زیبا!» (ش ۳۱۹۰، ص ۷۹۶)

«خدا مماله‌گر را لعنت کند؛ یعنی زنی که شوهرش به بسترش خواند و گوید: "کمی بعد" تا خوابش ببرد.» (ش ۲۲۳۷، ص ۶۲۸)

«اگر پیش وی باشی، بد زبانی کند، و اگر پیش وی نباشی، به تو خیانت کند.» (ش ۱۱۶۳، ص ۳۸۷)

جهاد زنان، شوهرداری خوب است. (ش ۱۴۰۳، ص ۴۴۹)

«بهترین مسجد زنان، کنج خانه‌ی آنهاست.» (ش ۱۵۳۲، ص ۴۷۴)

«اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کنند، به زن دستور می‌دادم شوهرش را سجده کند.» (ش ۲۳۴۸، صص ۶۵۰ تا ۶۵۱)

«اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کند، به زنان دستور می‌دادم شوهران خویش را سجده کنند، از بس که خدا برای شوهران حق به گردن زنان نهاده است.» (ش ۲۳۴۹، ص ۶۵۱)

گفتیم: ای آدم، تو و همسرت در این باغ ساکن شوید و از (میوه و نعمت‌های) آن به فراوانی از هر جای آن که خواهید بخورید، و به این درخت (درخت گندم یا انگور یا انجیر) نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود.

و قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

«۳۵»

عالم و مفسر مشهور عالم اسلام علامه مشکینی